

موانع سیاسی فرهنگی توسعه گردشگری میان ایران و آسیای میانه

مهران سرمدیان^۱

داود کیانی^۲

علیرضا امینی^۳

چکیده

زمینه و اهداف پژوهش حاضر، مطالعه و بررسی وابستگی متقابل میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و ایران در خصوص وجود شبکه ای در هم تنیده از اشکال گسترده ای از روابط و پیوندهای امنیتی، سیاسی و فرهنگی در منطقه و بررسی عوامل و موانع رشد گردشگری میان ایران و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز می باشد. حوزه مطالعاتی پژوهش حاضر شامل ضرورت انکار ناپذیر رشد و توسعه گردشگری میان کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و ایران در سطح منطقه و بررسی موانع رشد گردشگری در این منطقه است. نیازی که با توجه به موانع و چالش های بی شماری که در منطقه وجود دارد در صورت مرتفع نشدن چشم انداز روشنی را در پیش روی نمایان نمی سازد.

روش بررسی مطالعه حاضر، بر اساس نظریه سازه انگاری مورد بررسی قرار گرفته است. مهم ترین پرسش این پژوهش آن است که چه موانع عمده بر سر راه رشد و گسترش توسعه گردشگری میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز وجود دارد؟

یافته های پژوهش در پی اثبات این فرضیه است که، با توجه به در نظر گرفتن جنبه های اخلاقی موثر در توسعه گردشگری و با توجه به میراث تمدنی مشترک میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز مهم ترین فرصت فرهنگی در جذب گردشگران خارجی و ضعف در دیپلماسی فرهنگی، وجود رقبای فرهنگی منطقه ای و فرامنطقه ای و ایران هراسی از موانع اصلی توسعه گردشگری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شده است.

واژگان کلیدی

ایران، آسیای مرکزی، قفقاز، توسعه گردشگری، موانع توسعه، ضعف دیپلماسی، جنبه های اخلاقی موثر در توسعه.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: mehnan.sarmadian@gmail.com

۲. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dkiani@outlook.com

۳. استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: aminialirezal335@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۴ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۹

طرح مسأله

ایران با توجه به تاریخ کهن خود از فرصت‌های مناسب و ظرفیت‌های قدرتمندی در عرصه نوین توسعه سیاسی - فرهنگی در منطقه برخوردار است. در این میان تمامی مناطق آسیای مرکزی بیشترین میزان قرابت فرهنگی تاریخی و زبانی را با ایران دارند و همین امر فرصت کم‌نظیری را در این منطقه حساس استراتژیک در اختیار ایران قرار می‌دهد. سیر تحولات فزاینده فرهنگی و تمدنی چهار دهه اخیر که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تغییرات بنیادین در ساختار نظام سیاسی و بین‌المللی از قبیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال و احیای هویت قومی و ملی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی مقارن گشته است. در این خصوص ایجاب می‌کند با پرهیز از حساسیت‌های بی‌مورد گوناگون موقعیت و جایگاه تمدنی و تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و بررسی جدی و دقیق قرار گیرد.

از جمله آثاری که در این حوزه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است می‌توان به، مقاله‌ای با عنوان "شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین موانع فرهنگی گردشگری اجتماع‌محور در ایران" به قلم، فلاحی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای دیگر با عنوان "بررسی عوامل موثر سیاست‌گذاری فرهنگی در توسعه صنعت گردشگری جهان اسلام (مورد مطالعه: کشور ایران)" به قلم، روحانی و همکاران (۱۴۰۰) صورت گرفته است. پژوهشی با عنوان "بهبود جایگاه رقابتی گردشگری ایران در مناطق آسیای میانه، قفقاز و خاورمیانه" به قلم، طالقانی و مهدی زاده (۱۳۹۶) به رشته تحریر درآمده است. مقاله‌ای با عنوان "تبیین و بررسی موانع موجود بر توسعه گردشگری خارجی در ایران" توسط نویسندگان، کمالی شروغین و همکاران (۱۳۹۵) به رشته تحریر درآمده است. اما آنچه موجب نوآوری و جنبه پژوهشی جدید را به مقاله پیش رو داده است، پژوهش جاری، با رویکرد اجرایی و با توجه به کاربرد موانع و فرصت‌های فرهنگی و سیاسی گردشگری با در نظر گرفتن جنبه‌های اخلاقی موثر در سه کشور ایران، جمهوری آذربایجان و تاجیکستان پرداخته شده است که از این نظر دارای نوآوری می‌باشد.

در راستای این هدف، پژوهش پیش رو در نظر دارد تا تاثیر توسعه سیاسی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی را بر توسعه گردشگری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که چه موانع عمده بر سر راه رشد و گسترش توسعه گردشگری میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال در پی اثبات این فرضیه است که، با توجه به در نظر گرفتن جنبه‌های اخلاقی موثر در توسعه گردشگری و با توجه به میراث تمدنی مشترک میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز مهم‌ترین فرصت فرهنگی در جذب گردشگران خارجی و ضعف در دیپلماسی فرهنگی، وجود رقبای

فرهنگی منطقه ای و فرامنطقه ای و ایران هراسی از موانع اصلی توسعه گردشگری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شده است.

متغیرهای مستقل پژوهش عبارتند از: میراث تمدنی مشترک میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز، ضعف دیپلماسی ج. ا. ایران، وجود رقبای فرهنگی منطقه ای و فرامنطقه ای و ایران هراسی؛ متغیر وابسته عبارت است از: توسعه گردشگری ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز؛ سازمان دهی مقاله در سه بخش صورت گرفته است. نخست؛ به بررسی تاریخیچه روابط ایران و آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته شده است. در بخش دوم؛ حجم تعاملات ایران و آسیای مرکزی در بحث گردشگری مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت؛ علل ضعف تبادلات حجم گردشگری ایران و آسیای مرکزی و قفقاز مورد تبیین قرار گرفته است.

چارچوب نظری

نظریه سازه انگاری از آنجا که منافع از روابط فی مابین حاصل می شود و روابط دولت ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائل هستند. هویت یک امر رابطه ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت های بین المللی کارگزاران بر اثر جامعه پذیری درون جامعه بین الملل حاصل می شود. نگاه سازه انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم است. آنها بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات به وجود می آیند. این نظریه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می کند که همه کنش های انسانی در فضای اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد. در نظریه سازه انگاری هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویتها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این فرایند است که موضوع تعامل دولت ها را تعیین می نماید (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۴).

سازه گرایی در چارچوب رویکرد ذهنیت باورانه قرار می گیرد که در آن بر هویت دولت ها به عنوان یک متغیر علی و شکل دهنده منافع آنها تأکید می شود. در این رویکرد نظری اعتقاد به اصول ثابت راهنمای عمل بازیگران وجود ندارد، بلکه هنجارهای بین المللی درونی شده را شکل دهنده اولویت های سیاست خارجی دولت ها می دانند (Jenkins, 2008). از سوی دیگر تحلیل سازه انگارانه، به تأثیر تاریخ در شکل دهی به هویت دولت ها نیز توجه می کند. در این چارچوب، سازه انگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می گیرد. دولت ها با «روایت کردن تاریخ به شیوه ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می دهند» (Beck, 1994: 147). دولت ها، براساس هویت زمینه مند خود جهان

را برای خود می سازند و بر مبنای آن دست به کنش می زنند و در این کنش متقابل واقعیت نظام بین الملل را می سازند و در این تعامل هویت آنها دچار دگرگونی می شود. در اینجا دولت ها در مقام بازیگران صحنه بین المللی «تفسیر میکنند تصمیم می گیرند اعلام میکنند، و در نهایت اجرا می کنند، ولی همه این کارها را در چارچوب درک خود از جهان انجام می دهند» (Delanty, 2003).

تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی منابع داخلی و خارجی، تا کنون در چهارچوب الگوهای سنتی تحلیل سیاست خارجی و بر محور مفروضه هایی قرار داشته است که از هستی شناسی ماتریالیستی و سودمندگرایانه حاکم بر عرصه های مطالعات بین المللی برآمده است. یکی از زمینه های اصلی در این الگو، "دولت به مثابه موجودیتی عقلانی" می باشد که مطابق با آن، چون دولت ها "منافع" مشخص و عینی ای در عرصه بین المللی دارند، در جهت دستیابی به آنها از "ابزار" های مشخص نیز استفاده می کنند. عقلانیت ابزاری حاکم بر این تحلیل، در ارزیابی سیاست خارجی ایران آن را با خصلت "ایدئولوژیک" بیان می کند و از این عنوان مفهومی تنگ نظر را به رفتار سیاست خارجی ایران استناد می دهد. از سوی دیگر فرضیه "هویت" دولت به مثابه امری ناشی شده از ساختار نظام، به نحو مشخصی در عملکرد نظام جمهوری اسلامی ناکارآمد بوده است. پس شاهدیم که این رویکردها بر اساس الگوی ذهنی خود، سعی در تبیین رفتار سیاسی جمهوری اسلامی داشته اند که به واسطه ضعف ابزارهای مفهومی، دائماً در پیش بینی رفتارهای آتی شکست خورده اند. عمده ترین دلیل ضعف این تحلیل ها را شاید بتوان در این نکته یافت که در آنها هیچگاه به نحو جدی به مسئله "هویت" نظام سیاسی ایران و "تصویر" آن از واقعیت عرصه جهانی توجه نشده است. این تلقی ها هیچ گاه آن اهمیت بنیادی را که کارگزاران نظام به مسئله "هویت" و ابعاد نظری نظام می دادند، مورد توجه جدی قرار نداده اند و سعی نمودند بر پایه مفروضات خود، آنها را ذیل عنوان "ایدئولوژی"، "سیاست های اعلامی" قرار دهند. تحلیل واقع بینانه از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ممکن نخواهد شد مگر با اهمیت بنیادین دادن به مقوله "هویت". این رویکرد به ما در بررسی تحولات گفتمانی در دوره های گوناگون کمک شایانی خواهد کرد. با درک هویت نظام قادر خواهیم بود به سازه های مفهومی که مطابق آن دولت و کارگزاران آن، جهان را در قالب آن معنادار و دسته بندی می کنند، در یابیم. در منطق سازه انگارانه، "هویت" امری از پیش داده شده نیست، بلکه از آن حیث که امری تاریخی است، حاصل شرکت یک موجودیت آگاه در مفاهیم بنیاد ذهنیتی مورد قبول یک جامعه است. هویت از این حیث که خود امری تکوین یافته است، به منابع و ریشه های خود ارجاع می دهد. پس در تحلیل سیاست خارجی یک نظام سیاسی از منظر هویت آن باید در وهله اول به "منابع" هویتی، به "منابع"

این "خود" در جامعه و تاریخ آن پرداخت تا زمینه زمینی مندی آن را اثبات کرد (Giddens, 1991).

با توجه به مطالب بیان شده برای درک بهتر از منابع هویتی ایران باید به اهدافی که دارای تأثیراتی در سیاست خارجی ایران است پرداخت. این منابع شامل سه دسته هستند که دارای همپوشانی زیادی با یکدیگر هستند ولی دارای تمایز نیز می باشند که برای درک بهتر روابط و گسترش توسعه سیاسی - فرهنگی و گردشگری ایران در منطقه باید به این سه دسته اهمیت و آنها را مورد بررسی قرار داد.

- ذهنیت تاریخی ایرانیان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز
- اسلام گرایی و عوامل اسلام هراسی در منطقه
- تجربه تاریخی معاصر ایرانیان در جهت توسعه روابط (متقی و کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

نخست؛ تاریخچه روابط ایران و آسیای مرکزی و قفقاز

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مناطق دور افتاده و درونی آن در آسیای مرکزی به کشورهای متعددی تبدیل شدند که از نظر اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موقعیت ویژه ای یافتند. نظام بین الملل با تولد کشورهای متعددی روبرو شد و به طور خاص کشورهای پیرامون این منطقه و دولت های بزرگ در مواجهه با مسائل جدیدی قرار گرفتند. ایران نیز در شمال خود به جای یک کشور اتحاد شوروی در معرض مجموعه ای از کشورها واقع گشت که بر موضوع قراردادها و توافق های مرزی اعم از زمینی و دریایی تأثیر گذار بود و می بایست در شبکه کلان سیاست خارجی توجه ویژه ای به آن معطوف می گردید. با توجه به موقعیت سرزمینی و ژئوپلیتیکی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، منافع دولت های بزرگ از یک سو و موقعیت تاریخی و نزدیکی فرهنگی ایران با این سرزمین ها نقطه عطف روابط تاریخی ایران و آسیای مرکزی محسوب می گردد. تأثیرات این فروپاشی در سال ۱۹۹۱ سبب شد منطقه آسیای مرکزی برای اولین بار بتواند بدون سلطه هرگونه قدرت خارجی به هویتی مستقل دست پیدا کند و در درون خود شاهد شکل گیری پنج کشور مستقل، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان باشد. در این رستاخیز هویتی و قومی، کشورهای آسیای مرکزی در نخستین گام کوشیدند هویت مستقلی را از منطقه در مقابل تعاریف محدود (مضیق) دوران اتحاد جماهیر شوروی از آسیای داخلی یا آسیای میانه و یا تعریف گسترده (موسع) از جانب بانک جهانی و یونسکو ارائه دهند (کولایی، کوزه گر، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

مدیریت های کلان انحصارطلبانه حاکم بر کشورهای آسیای مرکزی و ساختارهای خاص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی این کشورها سبب گردید تا تمام این جمهوری ها

تازه به استقلال رسیده روسیه به درجات مختلف بوجود آورنده تحولات و تغییرات ساختاری در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی شوند. از جمله مهم ترین مشخصه سیاسی منطقه آسیای مرکزی را می توان بدین شرح برشمرد: فقدان تجربه دولنداری دموکراتیک، تداوم ساختاری نظام برجای مانده شوروی سابق، حاکمیت الگوی راست جمهوری بر سیستم های سیاسی و ضعف نظام تفکیک قوا و در نهایت ضعف ساختارهای قانونگذاری و قضایی؛ غلبه فضای امنیتی بر حوزه های مختلف تمرکزگرایی شدید در اداره امور، عدم وجود احزاب سیاسی قوی و تأثیرگذار و نهادهای مدنی واسط حاکمیت طیفی خاص تحمل سیاسی در سطح پایین، رویکردهای سکولار توأم با ضدیت با دین در دولت داری عدم وجود فرآیند شفاف جانشینی رهبران سیاسی و انتخابات سالم و آزاد... (جمشیدی، الهی دهقی، ۱۳۹۳: ۳۲).

ارتباط بین ایران و منطقه آسیای مرکزی، قبل از اسلام و حتی قبل از پیدایش مسیحیت به وجود آمده است؛ یعنی زمانی که قسمت بزرگی از آسیای مرکزی امروزی، بخشی از تمدن ایرانی بود. با تقلید از نظام آموزش و تربیتی ایرانیان قدیم، آسیای مرکزی به سرعت پیشرفت کردند و به مراکز تعلیم و تربیت دانشمندان بزرگ تبدیل شدند. در دوران اسلامی نیز فرهنگ اسلامی، علوم و فنون، آموزش و پرورش، فلسفه، هنر و ادبیات آسیای مرکزی با بهره گیری از این نظام آموزشی، پیشرفت چشم گیری داشت. حتی در زمان حکومت ترک ها در ایران که از گسترش مذهب شیعه ممانعت می کردند، ایرانیان تاثیر زیادی روی زندگی سیاسی و فرهنگی منطقه داشته اند (سنایی، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۳).

منطقه آسیای مرکزی که طی دو قرن تحت نفوذ روسیه قرار داشت، به صورت تاریخی جزو قلمرو ایران زمین محسوب می شود و به همین سبب اشتراکات تاریخی و فرهنگی بسیاری را با ایران دارا می باشد. فروپاشی اتحاد شوروی و به وجود آمدن پنج کشور مستقل در منطقه آسیای مرکزی، موجب نگاه ایران به منطقه شد. در این بین همجواری تاریخی و فرهنگی ایران با ملل و اقوام منطقه، عاملی مهم در جهت توسعه همکاری های همه جانبه به حساب می آید. با این حال تا کنون به دلایل بی شماری، ایران با قرار گرفتن در جایگاهی مناسب، در برقراری روابط شایسته با کشورهای آسیای مرکزی فاصله دارد (سنایی، ۱۳۹۰: ۲). وجود تجانس ساختاری بین ایران و آسیای مرکزی و ظرفیت های وابستگی آسیای مرکزی نسبت به ایران که بعضا به صورت متقابل عمل می نماید و همچنین فرصت هایی که بر اساس شکاف ناشی از رقابت بازیگران در سطوح محلی، منطقه ای و جهانی به دست می آید، زمینه های نقش آفرینی ایران را بر اساس علائق ژئوپلیتیک در منطقه به وجود می آورد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۲).

با وجود اشتراکات فراوان میان ایرانیان و مردم منطقه، هنگامی که کشورهای آسیای مرکزی به استقلال رسیدند، ایران از یک سو در صدد معرفی فرهنگ اسلامی به منطقه برآمد و از سوی

دیگر، پیوندهای فرهنگ و هویت نژادی، قومی و زبانی با مردم آسیای مرکزی را زمینه فعالیت های متنوع فرهنگی قرار داد. در این شرایط، ایران با احساس قربت تاریخی و فرهنگی به آسیای مرکزی با اتخاذ سیاستی واقع بینانه، به بسط مناسبات فرهنگی با این جمهوری ها پرداخته است. چنین می توان اذعان داشت که جایگاه کشورهای آسیای مرکزی در سیاست خارجی ما بسیار مهم می باشند. نخست؛ در نگاه اول این منطقه و کشورهای آن همسایگان ایران و در عین حال همسایه هایی استثنایی و خاص هستند، زیرا از بعد عاطفی و تعلقات روحی به کل فلات قاره و فرهنگ ایران تعلق دارند. دوم؛ این که جدا از رابطه عاطفی تمام این کشورها محاط هستند و راهی به دریاهای آزاد ندارند و در نهایت؛ این همسایه های استثنایی که به تعبیری کشورهای جدیدی هستند، هرچند که به طور سنتی و تاریخی چه به صورت اقوام مختلف یا به عنوان بخشی از مجموعه شوروی پیشین، حضور داشته اند، اما به مفهوم جدید، از سال ۱۹۹۱ پدیدار شده و نهایتاً از این لحاظ همسایه هایی استثنایی هستند که جهان توجه خاصی به آنها دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷). با توجه به این نوع همسایگی، طبیعی است که جایگاه آنها در سیاست خارجی ما مهم باشد. نکته حائز اهمیت این کشورها از نقاط قوت سیاست خارجی ایران به شمار می روند. دلایل این امر این است که علی رغم همه کاستی ها، سیاست خارجی ایران در اینجا با شکست عمده ای روبرو نبوده و مشکل بزرگی ایجاد نکرده است. همچنین جامعه بین المللی سیاست ایران در این منطقه را با احترام و در برخی از آنها با عنوان یک شهروند خوب یاد کرده اند که نشانگر تبعیت ایران از معیارها و قواعد رفتار بین المللی در این منطقه می باشد. همین مسئله نقطه قوتی است که می تواند برای ایران اعتبار کسب نماید؛ البته خود این نکته ناشی از عوامل جغرافیایی و نحوه تعامل در ارتباطات تاریخی ایران با کشورهای آسیای مرکزی است.

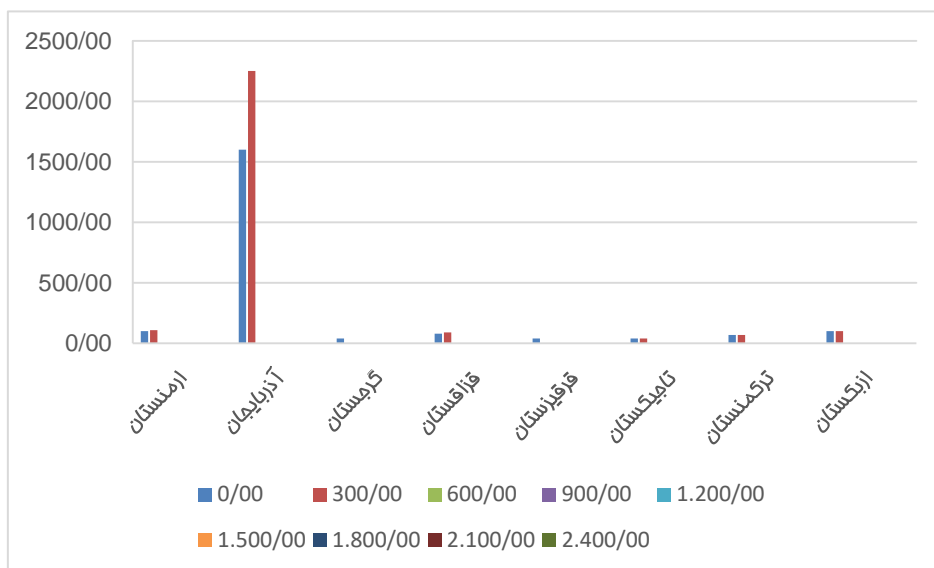
مهمترین حوزه ای که در آن جایگاه این کشورها بسیار برجسته می گردد، حوزه تمدنی است. بی تردید همه کشورهای حوزه آسیای مرکزی در حوزه تمدنی ایران بوده و این موضوع نه تنها به پس از اسلام، که به پیش از اسلام نیز مصداق داشته است. به همین دلیل، مهمترین عامل علقه فرهنگی آنها با ایران، علی رغم ۱۷۰ سال دوری آنها از ایران و ۷۰ سال سیطره کمونیسم، این است که در میدان مغناطیسی تمدن ما قرار داشته اند. در حوزه اقتصادی، این کشورها برای ایران بسیار مهم می باشند، به ویژه آن که کشورهای جدیدی هستند که بازارهایشان چندان شکل گرفته نیست اگرچه هم اکنون تا حدودی شکل پیدا کرده است. البته نباید این نکته را فراموش کرد که امتیاز راه نداشتن این کشورها به آبهای آزاد امکان حضور اقتصادی ایران در این کشورها را پررنگ تر کرده است. در حوزه امنیتی نیز در طی ارتباط ایران با این کشورها خطر جدی شامل ایران نمی گردد. در عین حال آنها شرایطی دارند که هم می توانند در بعد امنیتی

برای ما تهدیدهایی را فراهم کنند و هم فرصت‌هایی را ارائه نمایند. برخی از این کشورها اشتراکات قومیتی با کشور ما داشته که همین موضوع می‌تواند تهدیدی برای ما محسوب گردد اما به دلیل تعاملات بین‌المللی به ویژه در زمینه امنیتی با روسیه به عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه جایگاه ویژه‌ای را در حوزه امنیتی می‌تواند داشته باشد (ایراس، ۱۳۹۵).

دوم؛ حجم تعاملات ایران و آسیای مرکزی در بحث گردشگری

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آسیای مرکزی به عنوان بخشی از گسترده حوزه تمدنی ایرانی جایگاه ویژه‌ای از سیاست خارجی را به خود اختصاص داد. ایران نیز با وجود اشتراکات، پیوندها، فرصتها و مجموعه محدودیتها و موانع داخلی و خارجی سیاست ارتباط با این حوزه را به صورت دو جانبه یا چند جانبه آغاز کرد. اما توفیق ایران برای تأثیر گذاری در منطقه، منوط به گسترش هم‌گرایی و کاهش واگرایی و قدرت‌سازی از طریق همبستگی با واحدهای این منطقه بوده و برای تبدیل شدن به هژمونی منطقه باید همواره به حوزه‌های ایرانی فرهنگی و اقتصادی به خصوص در صنعت گردشگری توجه ویژه داشته باشد. وجود اشتراکات و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نقش ژئوپلیتیک و نیاز به دستیابی به حقوق اولیه و ذینع شدن در منافع مشترک و گسترش مناسبات از طریق رونق صنعت گردشگری تحقیق در این رابطه را ضروری می‌نماید: میراث سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای و قفقاز در صنعت گردشگری گویای آن است که در شرایط پراشتهاب حاکم بر خاورمیانه عربی توجه بیشتری به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان یکی از مناطق مهم پیرامونی ایران صورت گیرد. در این راستا، توفیقات مهمی حاصل شد؛ هر چند نقدهایی نیز بر رویکرد و عملکرد سیاست خارجی ایران در این مقطع وارد است که انتظار می‌رود با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع‌تر اهداف و منافع سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز بیش از گذشته محقق شود؛ مناطقی که بخش انکارناپذیر از عقبه فرهنگی و تمدنی ایران و نیز بخش مهمی از منطقه آسیای غربی مورد نظر سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به شمار می‌رود (مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، ۱۳۹۶) جمهوری اسلامی ایران به لحاظ دارا بودن تاریخ کهن و موقعیت ژئوپلیتیک جایگاه ویژه‌ای در منطقه آسیای مرکزی دارد و مورد توجه بسیاری از کشورهای همسایه به دلیل اشتراکات فرهنگی به خصوص در صنعت گردشگری قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران همچنین به لحاظ قرار گرفتن در یک منطقه آشوب‌ناسته است امنیت داشته و یکی از مواردی است که باعث جذب و گسترش گردشگری می‌شود. در طی چند سال اخیر سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی کشور تلاش ویژه‌ای در جهت حفظ و مرمت آثار تاریخی در بسیاری از شهرها نموده است. این خود می‌تواند نشان‌دهنده ارزشمند

بودن آثار فرهنگی تاریخی کشور را در منطقه آسیای مرکزی بازگو نماید. جمهوری اسلامی ایران می بایست در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز همه جوانب همکاری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با یکدیگر دنبال نماید. زیرا این عوامل مکمل یکدیگر بوده و نادیده انگاشتن یکی از موارد فوق به طور یقین به موفق نشدن عوامل دیگر منتهی خواهد شد. هرچند به باور بسیاری از کارشناسان مهمترین ظرفیت جمهوری اسلامی ایران استفاده از پیشینه تاریخی، زبانی و دینی مشترک است اما نباید این مهم را از نظر دور داشت که این کشورها با مشکلات عدیده سیاسی، امنیتی و قومی روبرو بوده و دولت های آنها به سمت کشورهایی که قصد سرمایه گذاری های اقتصادی و همکاری های امنیتی با آنها را داشته باشند متمایل می گردند. جمهوری اسلامی ایران با سرمایه گذاری های اقتصادی و گسترش روابط سیاسی می تواند پیوندهای حیاتی و استراتژیک را با دولت های منطقه برقرار کرده و به موازات جلب اعتماد دولت ها با استفاده از دیپلماسی فرهنگی که بر پایه مشترکات زبانی، تاریخی و هویتی بنا شده به اقناع مردم منطقه و جذب آنها در حول محور فرهنگ مشترک مبادرت ورزد (بوالوردی، ۱۳۸۵: ۷۶). در این بخش از نوشتار به ظرفیت ها و زمینه های گردشگری میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می پردازیم.



نمودار ۱: سهم ایران از تعداد گردشگران آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۳۹۶

منبع: موسسه بین المللی مانیتور (BMI)

همانطور که در نمودار شماره ۱، مشاهده می‌شود، بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده توسط موسسه بین‌المللی مانی‌تور (BMI) در سال ۲۰۱۶، بررسی وضعیت ورود گردشگران خارجی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به ایران بیان‌کننده آن است که از بین کشورهای مورد مطالعه، بیشترین ورود گردشگر خارجی به ایران از آذربایجان بوده است. به نحوی که، آذربایجان با یک میلیون و هفتصد هزار گردشگر (معادل با ۳۵ درصد از کل ورود گردشگران خارجی به ایران)، بیشترین بازدیدکننده را داشته‌اند. یکی از دلایل حضور قابل توجه گردشگران آذری در ایران آن است که برای آذربایجانی‌ها، به ویژه آنهایی که در مناطق مرزی ساکن هستند، ایران کشوری ارزان است و تنها تردد آنها بدون ویزا صورت می‌گیرد، بلکه ایران مقصدی برای خرید و گردشگری سلامت نیز به شمار می‌آید.

همان‌طور که در نمودار شماره ۱، نشان داده شده، مهم دیگر کشورهای منطقه از ورود گردشگر خارجی به ایران تقریباً نزدیک به صفر و بسیار ناچیز است. نگاهی دقیق‌تر به آمار و اطلاعات بین‌المللی در ارتباط با صنعت گردشگری در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بیان‌کننده آن است که با وجود آنکه تمایل گردشگران این کشورها در سالهای اخیر به سمت کشورهای خاورمیانه از جمله ایران و امارات متحده عربی افزایش یافته است، اما به نظر می‌رسد برنامه ریزی تبلیغاتی مؤثری از سوی برنامه ریزان برای جذب این گردشگران به سمت کشورمان وجود ندارد.

کشور	رتبه	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تراز	درصد تغییرات
ارمنستان	۷	۳۰۷۰۶	۰/۶۰	۱۶۳۶۹۳	۲/۱۰	۱۳۳۹۸۷	۴۳۳.۱۰
آذربایجان	۲	۹۵۹۶۵۳	۱۸/۷۷	۱۸۲۹۴۳۴	۲۳/۴۴	۸۶۹۷۸۱	۹۰.۶۳
گرجستان	۱۵	۳۱۶۹۱	۰/۶۲	۳۵۹۰۲	۰/۴۶	۴۲۱۱	۱۳.۲۹
قزاقستان	۴۲	۳۳۵۸	۰/۰۷	۲۶۲۰	۰/۰۳	-۷۳۸	-۲۱.۹۸
قرقیزستان	۷۳	۱۰۳۶	۰/۰۲	۷۵۵	۰/۰۱	-۲۸۱	-۲۷.۱۲
تاجیکستان	۳۷	۴۹۹۳	۰/۱۰	۴۰۸۵	۰/۰۵	-۹۰۸	-۱۸.۱۹
ترکمنستان	۶	۱۴۹۹۴۹	۲/۹۳	۱۷۰۹۸۴	۲/۱۹	۲۱۰۳۵	۱۴۰.۳
ازبکستان	۴۴	۱۵۵۹	۰/۰۳	۲۴۷۸	۰/۰۳	۹۱۹	۵۸.۹۵

جدول شماره ۱: آمار گردشگران ورودی از کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی سال ۹۶-۹۷

منبع: معاونت گردشگری دفتر برنامه ریزی و حمایت از توسعه گردشگری (بهار ۱۳۹۸)

الف) جایگاه راهبردی منطقه آسیای مرکزی در سیاست گردشگری جمهوری اسلامی ایران

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امکان بیرون آمدن کشورهای آسیای مرکزی از انزوای فرهنگی و تاریخی فراهم گردید و بدین ترتیب ایران فرصتی برای احیای روابط تاریخی و فرهنگی خود با این منطقه به دست آورد. ایران از اولین کشورهای بود که استقلال این جمهوری ها را به رسمیت شناخت و اقدام به تبادل هیئت های دیپلماتیک خود با آنها نمود. در این راستا، تهران فعالیت های فرهنگی و گردشگری خود را به موازات توسعه و بسط روابط سیاسی بر اساس استفاده از فرصتهای پدید آمده روزهای آغازین استقلال این کشورها آغاز نمود. از دیدگاه تهران، تمدن مشترک اسلامی ایرانی توجیه تاریخی برقراری روابط نزدیک فرهنگی به خصوص گردشگری با کشورهای آسیای مرکزی است. دولت ایران تأکید دارد که فرهنگ ایرانی اسلامی و اشتراکات زبانی، فرهنگی و تاریخی به توسعه روابط دوستانه با این کشورها کمک نموده درک متقابل و برقراری ثبات و هماهنگی منطقه ای را امکان پذیر می سازد. مرزهای فرهنگی و تاریخی ایران فراتر از مرزهای سیاسی این کشور است و داشتن سابقه ای طولانی از حضور فرهنگ غنی ایرانی ایرانیان را وادار میسازد تا مسائل آسیای مرکزی را با علاقه بیشتری دنبال نموده و سعی نمایند تا از اشتراکات تاریخی و هویتی برای توسعه روابط و مناسبات دیگر به خصوص صنعت گردشگری با این جمهوری ها استفاده نمایند (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۵). بر این اساس تأکید بر مشترکات میتواند در توسعه همگرایی بیشتر فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی تأثیر به سزایی داشته باشد. همگرایی فرهنگی با آسیای مرکزی میتواند موازنه های مثبتی را به سود ایران در مجامع بین الملل رقم بزند و این جمهوری ها را بیش از پیش در مدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. به این ترتیب و از آنجا که دولت های آسیای مرکزی نسبت به گسترش روابط فرهنگی با ایران حساسیت خاصی از خود نشان نمی دهند، باید ضمن اجتناب از ملی گرایی فارسی به منظور جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات ملی گرایانه ضدایرانی در آسیای مرکزی و تحریک رقبا، به گونه ای ظریف و هوشمندانه اقدام به تقویت قدرت ایران از طریق اقدامات نرم افزاری در جمهوری های منطقه نمود (عزیزی، ۱۳۹۳). در این میان «دیپلماسی عمومی مهمترین ابزاری است که می تواند در زمینه توسعه قدرت نرم و به تبع آن گسترش نفوذ ایران در آسیای مرکزی به کار آید. در این چارچوب، می توان به طور خاص مواردی همچون تقویت نمایندگی های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی تشکیل و تقویت انجمن های دوستی و برگزاری هفته های فرهنگی در این کشورها جهت شناساندن ظرفیت های فرهنگی کشور و ایجاد تعامل با افکار عمومی این کشورها، انتشار و توزیع روزنامه و ایجاد کانال های خبری رسانه ای به زبانهای منطقه، برنامه

های تبادل استاد و دانشجو و همکاری های علمی پذیرش گردشگران خارجی و تشویق به مسافرت به منطقه جهت انتقال فرهنگی ایجاد و تقویت مؤسسات ایران شناسی و زبان شناسی را از جمله سیاستهای دانست که پیگیری آنها می تواند به توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه منجر شود (عزیزی، ۱۳۹۳).

آمار گردشگران ورودی به کشور از منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۴۰۱

نام کشور	تعداد
آذربایجان	183,137
ازبکستان	1,474
تاجیکستان	5,316
ترکمنستان	17,129
قرقیزستان	1,675
قزاقستان	2,889
مجموع	211,620

جدول شماره ۲

منبع: وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی

با این وجود باید گفت که به رغم وجود پیوندهای مشترک و عمیقی که بین ایرانیان و مردم این منطقه و نیز با وجود امضای توافق نامه های متعدد فرهنگی بین طرفین سطح تعامل فرهنگی در حوزه گردشگری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای این منطقه چندان قابل ملاحظه نبوده است. این عدم توجه فرهنگی موجب می گردد که ایران فرصتهای طلایی را در منطقه از دست داده و از میزان موفقیت ایران با حضور قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در منطقه کاسته شود. اتخاذ سیاست چند جانبه گرایی از طریق ایجاد و توسعه ساختارها و سازمانهای چند جانبه به منظور تشویق و تقویت منطقه گرایی و همگرایی منطقه ای از جمله رویکردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و وسعت اهمیت اقتصادی و توان نظامی ایران امکان ایفای نقش محوری در تشکل های منطقه ای در آسیای مرکزی و دریای خزر را دارا است (عزیزی، ۱۳۹۳).

بر این اساس در جهت شناسایی جایگاه راهبردی ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به بیان نقاط قوتی که تاثیر بسزایی در گسترش مناسبات و متاثر در صنعت گردشگری است

می‌پردازیم:

- برخورداری ایران از کوتاه‌ترین امن‌ترین و با صرفه‌ترین کانال ارتباطی با آبهای آزاد؛
- قرار گرفتن جا ایران میان دو منطقه بسیار مهم و استراتژیک سواحل مکران و آسیای مرکزی؛
- توانایی و ظرفیتهای ایران جهت اجرای پروژه‌های مشترک؛
- نشستهای مشترک مقامات ایران با مقامات ترکمنستان و قزاقستان در جلسات مربوط به کشورهای حاشیه خزر؛
- برخورداری ج.ا.ایران از نیروی انسانی ماهر در فناوری نفتی و سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه یافته؛
- برخورداری ج.ا.ایران از زیرساختهای کشتیرانی و همچنین بنادر و پالایشگاهها؛ وجود نهادها و سازمانهای فرهنگی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی و استقرار نظام اسلامی در ایران با توجه به مسلمان بودن کشورهای منطقه (حجازی، ۱۴۰۰: ۱۶۰).
- با توجه به نقاط مثبت و متاثر در گسترش روابط ایران با کشورهای منطقه، بالاخص جذب گردشگر و توریست از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نقاط ضعفی نیز عامل ایجاد چالش‌ها و موانعی در گسترش این صنعت مهم در ایران شده است که با مرتفع نکردن آنها چشم‌انداز روشنی در خصوص رشد و توسعه این مهم در گسترش روابط با کشورهای منطقه نخواهیم داشت. برای درک روشن‌تر از موانع به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم.
- فقدان یک استراتژی کلان در منطقه آسیای مرکزی؛
- فقدان یک رسانه کارآمد به منظور تأثیرگذاری فرهنگی بر روی مردم؛
- عدم اولویت و نداشتن جایگاه برجسته کشورهای این منطقه در سیاست خارجی ج.ا.ایران
- فقدان سیاستهای مدون ایران در منطقه آسیای مرکزی و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه؛
- بی‌توجهی به نقش توریسم و صنعت گردشگری بین ایران و کشورهای منطقه فقدان نهادهای مردمی و غیر دولتی ج.ا.ایران در منطقه؛
- ناتوانی در حل اختلاف با روسیه در زمینه ژئوپلیتیک انرژی به ویژه ترانزیت و انتقال انرژی منطقه؛
- بی‌توجهی به زبان فارسی به عنوان میراث مشترک ایران و مناطق فارسی‌زبان کشورهای منطقه؛
- کم‌توجهی به مشترکات، تاریخی، مذهبی، فرهنگی، قومی و نژادی بین ایران و

کشورهای منطقه؛

- عدم آشنایی با تحولات و جریانهای فرهنگی موجود در منطقه؛
- اعزام برخی نمایندگان و رایزنان فرهنگی که شناخت دقیق و درستی از منطقه ندارند؛
- کم توجهی وزارت امور خارجه به دیپلماسی عمومی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و فقدان فهم و درک مشترک فرهنگی بین مردم ایران و مردم منطقه آسیای مرکزی (میرفخرایی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۴۰).

ب) نگاه مردمان کشورهای آسیای مرکزی به ایران در صنعت گردشگری

مردمان کشورهای آسیای مرکزی دارای تمدن و فرهنگ و تاریخی بسیار غنی هستند. آنها روزی عضوی از ایران بزرگ فرهنگی محسوب میشدند؛ اما امروز برای یافتن هویت فرهنگی خود باید به ایران سفر کنند و از طرفی به دلیل نداشتن اطلاعات کافی از جمهوری اسلامی ایران کمتر به گردشگری به این کشور علاقه مند هستند. با توجه به اتفاقات پیش آمده در چند سال اخیر در منطقه آسیای مرکزی نگاه مردم کشورهای این منطقه به جمهوری اسلامی ایران بسیار نامطلوب شده است. تأثیر سیاست گردشگری بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای و حضور گردشگر از این مناطق هنوز چندان چشمگیر نیست.

به دلیل کم کاری بسیاری از نمایندگان فرهنگی ما در این کشورها برای معرفی کشور ایران به مردمان این مناطق و ارائه نامطلوب وسایل فرهنگی و آموزشی به این کشورها اغلب با مشکل بی اطلاعی از جانب مردمان این مناطق روبه رو هستیم که باعث بی توجهی مردمان این مناطق به ایران میگردد. منطقه آسیای مرکزی بخصوص کشور ایران هم به لحاظ موقعیت جغرافیایی و هم به لحاظ فرهنگی دارای اهمیت بسزایی برای قدرت های منطقه است و منزوی کردن ایران در منطقه یکی از راههای دستیابی به، فرهنگ تاریخ و منابع آن محسوب می شود. از این رو اهمیت به موضوع گردشگری در منطقه آسیای مرکزی با پیوند تاریخی و فرهنگی که با جمهوری اسلامی ایران دارند، می تواند موجب گسترش روابط و تأمین امنیت منطقه گردد (باقری مقدم، ۱۳۹۴ ۳۸-۳۶). از دیگر عواملی که سبب اهمیت یافتن ایران در صنعت توریسم در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به چشم می خورد، توریسم بهداشت و داشتن شرایط ویژه ایران برای کشورهای مزبور می باشد.

بر اساس اعلام سازمان جهانی گردشگری، به استفاده از هرگونه خدمات در مکانی بیرون از محل سکونت که موجب بهبود یا افزایش سلامتی و بهتر شدن روحیه فرد شود، توریسم درمانی گفته می شود. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، تا سال ۲۰۱۱ میلادی، مقوله توریسم درمانی سالانه در حدود ۵۰ میلیارد دلار برای کشورهایی که میزبان بوده اند، سودآور بوده و این مسئله

برای ایران هم صدق می کند. ایران در حال حاضر توانسته در زمینه گردشگری پزشکی جایگاه نسبتاً خوبی را در میان کشورهای آسیای مرکزی به دست آورد، اما گسترش این امر نیاز به همکاری بیشتری دارد.

ایران به طور میانگین سالانه توانایی جذب یک میلیون توریست پزشکی را دارد و این یعنی هفت میلیارد دلار به واسطه این صنعت وارد کشور خواهد شد. محقق شدن این مسئله نیازمند انجام اقداماتی همانند تسهیل مقدمات ورود توریست به کشور، معرفی مراکز درمانی خوب و نظارت بر آنها است.

یکی از مهم‌ترین و بهترین مزایای گردشگری پزشکی در ایران را می توان در مواردی چون؛ پایین بودن هزینه درمان، پزشکان ماهر و باتجربه، آب درمانی، نمک درمانی، لجن درمانی دانست و اما باز هم برای توسعه این صنعت مهم و افزایش ارزآوری کشور نیاز به تمهیدات خاصی است که باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله مواردی که باید در این خصوص بیشتر مورد توجه قرار گیرد توجه به ظرفیت‌ها و افزایش آن در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است.

ج) ظرفیتهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک رسم و یک روش صدها سال سابقه دارد. همه سیاحان، مسافران، معلمان و هنرمندان را میتوان نمونه هایی از سفیران غیر رسمی یا دیپلمات های فرهنگی اولیه به حساب آورد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۸). ابزارهایی که فرهنگ برای فراگیری مهیا می نماید شامل، «تاریخ فرهنگی»، «زمینه اجتماعی» و «زبان» است (همتی ۱۳۹۵: ۴). بنابراین از طریق ابزارهای آموزشی و تاکید بر تعلقات مشترک به زبان فارسی و تاریخ فرهنگی مشترک میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی می توان امکان ساخت منافع مشترک و احساس نزدیکی طرفین با تصویر سازی مثبت در اذهان دو ملت را فراهم ساخت (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵). در واقع یکی مهمترین مسائل در سیاست گذاری فرهنگی در جوامع امروزی این است که چگونه می توان از فرهنگ خودی و سنن بومی محافظت کرد. سریع ترین و کاربردی ترین راه حلی که معمولاً سیاستگذاران امور فرهنگی به آن دست می یابند تاریخ است. در واقع تاریخ یکی از منابع اصلی تغذیه فرهنگی به شمار می آید (اشتریان، ۱۳۹۱: ۴۱). جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان قدرتی منطقه ای با برخورداری از موقعیتی استراتژیک و ژئواکونومیک از این قاعده مستثنی نبوده و برای تامین نیازهای منطقه ای و فرامنطقه ای بر یک دیپلماسی فعال و کارآمد تاکید داشته است. ظرفیت های مهم دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی عبارت است از:

الف) ظرفیت های فرهنگی و علمی: بعد فرهنگی و علمی ایران در مواردی چون زبان و

ادبیات فارسی، مبادله استاد و دانشجو و توریسم قابل ملاحظه است. در این میان مراکز فرهنگی در خارج از کشور از اهمیت بسزایی برخوردارند. ارائه تصویری درست از انقلاب و نظام برای مردم دنیا و همچنین مسئولان کشورها یکی از وظایف مهم و کارهای بزرگ سفیران فرهنگی است. همچنین تقویت عناصر تمدن ایرانی همچون اسطوره‌ها آیین‌های کهن زبان و فرهنگ به ویژه در آسیای مرکزی که در حوزه تمدنی ایران قرار دارد می‌تواند موجب نفوذ هرچه بیشتر ایران در میان مردمان این مناطق شود (ملکی، ۱۳۸۷). از جمله ظرفیت‌های فرهنگی موضوع زبان فارسی است. برخی از اقوام؛ مردم کشور تاجیکستان عموماً فارس زبان اند و تکلم به زبان فارسی دری در میان ایشان رواج کامل دارد. اقوامی که به زبان فارسی آشنا هستند در کشور ترکمنستان به ویژه در اطراف عشق آباد و مرو و همچنین در کشور ازبکستان در شهرهای سمرقند و بخارا ساکن هستند. در قزاقستان و قرقیزستان نیز برخی به زبان فارسی گفتگو می‌کنند. این در حالی است که تعداد کلمات ولغات فارسی در زبان بومی آن منطقه نیز فراوان است (بخشی، ۱۳۹۱).

ب) ظرفیتهای ایدئولوژیکی: با توجه به اینکه حکومت ایران بر مبنای ایدئولوژی اسلام تشکیل شده کارآمدی آن در جهان کنونی به ویژه در جهان اسلام جاذبه‌های بی نظیری را ایجاد کرده است. در واقع یکی از مؤلفه‌های تولیدکننده یا تقویت کننده قدرت ترم یک کشور، جذابیت ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی و ماهیت ایدئولوژیک یک کشور است (بخشی، ۱۳۹۱).

ج) ظرفیتهای ژئوپلیتیکی: یکی از مهمترین محدودیت‌هایی که کشورهای آسیای مرکزی با آن مواجه اند محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آبهای آزاد است که از یک سو ارتباط تجاری این کشورها با بازارهای بین‌المللی را محدود کرده و فرصت‌های بسیاری را جهت رشد اقتصادی از آنان سلب کرده است. از سوی دیگر برای آن دسته از کشورهای منطقه که دارای ذخایر انرژی هستند، محدودیت‌هایی را در زمینه انتقال انرژی به بازارهای جهانی ایجاد کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۸). همین عامل باعث شد تا این کشورها درصدد برآیند تا با برقراری روابط با همسایگان خود هم‌شرکای تجاری و اقتصادی جدیدی یافته و هم از طریق این کشورها، به بازارهای بین‌المللی دسترسی پیدا کنند. بدون شک در این رابطه ایران به عنوان یکی از اولین و مهمترین گزینه‌ها مورد توجه رهبران کشورهای آسیای مرکزی قرار گرفته است. در حقیقت در این راستا باید از اهمیتی دوجانبه سخن گفت که دو طرف این رابطه را برای یکدیگر با اهمیت ساخته است. آسیای مرکزی به صورت بالقوه مکان مناسبی برای جذب سرمایه گذاری ایران و در نهایت بازار مناسبی برای فروش کالاهای ایرانی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ ایرانی است (بهشتی پور، ۱۳۸۹).

گردشگری یکی از پردرآمدترین منابع مالی برای هر کشوری محسوب می‌شود. کشورهایی

که به لحاظ تاریخی، فرهنگی و تمدنی از ریشه عمیقی برخوردار هستند صنعت گردشگری در آنجا بسیار رونق دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز در صنعت گردشگری از این حیث مستثنی نیست. ایران با منطقه آسیای مرکزی دارای پیشینه بسیار عمیق و مهم فرهنگی می باشد و این می تواند یکی از مسائل مهم در رونق صنعت گردشگری برای ایران محسوب گردد. اما این صنعت هم دارای عوامل و موانعی است که یکی از آنها مسأله ایران هراسی در منطقه است که طی چند سال اخیر توسط قدرت های بزرگ همچون آمریکا و اسرائیل ایجاد شده است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار گرفتن در یک منطقه پر از آشوب و ناامن در عین حال خود دارای امنیت کامل است و موج جدیدی که در منطقه آسیای مرکزی در حال شکل گیری است، مسأله ایران هراسی است. رژیم صهیونیستی در بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی به خصوص ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان دارای نمایندگان و سفیرانی است و با به راه انداختن موج ایران هراسی در منطقه سعی در منزوی کردن ایران را دارد و با هدف قرار دادن تاریخ و فرهنگ ایرانی تلاش گسترده ای در ناامن کردن منطقه و بدبین کردن این کشورها به ایران را دارد. یکی دیگر از موانع هزینه بالای سفرهای خارجی به ایران از منطقه آسیای مرکزی است. به دلیل اینکه عمدتاً کشورهایی همچون تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان کشورهای ثروتمندی نیستند و از طرفی هزینه رفت و آمد و اقامت در ایران بسیار بالاست کمتر از منطقه آسیای مرکزی شاهد حضور گردشگران به کشور هستیم. همچنین به دلیل نبود نیروی آموزش دیده در جهت ارائه خدمات به گردشگران برای راهنمایی در سطح شهرها و نبود هتل های مرغوب و مکان های اسکان مناسب در سطح شهرها، می تواند در موانع نارضایتی و در نهایت کاهش گردشگر به ایران باشد. یکی دیگر از موانع فراروی همکاری های گردشگری ایران و کشورهای آسیای مرکزی تقدم مسائل سیاسی بر مسائل فرهنگی است. بسیاری از کشورهای منطقه آسیای مرکزی برای تأمین مواد مورد نیاز خود و تجارت با اروپا و غرب باید از ایران عبور کنند، زیرا یکی از سهل الوصول ترین راه هاست تا به آبهای آزاد دسترسی داشته باشند؛ اما به دلیل مسائل ساسی پیش آمده در منطقه و سلطه غرب و عربستان در آسیا علاوه بر ایجاد جو ایران هراسی در منطقه با در اختیار قرار دادن شرایط بهتر برای رفع نیازها به این کشورها از جمله تاجیکستان که با جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر اشتراک فرهنگی و تاریخی اشتراک زبانی هم دارد باعث شده است تا کمتر از کشور تاجیکستان با ایران گردشگر داشته باشیم. وقتی مسائل سیاسی مقدم بر مسائل فرهنگی کشوری قرار گیرد موجب می شود تا بسیاری از اشتراکات و روابط از میان رفته و همچنین به دلیل کم کاری بسیاری از نمایندگان فرهنگی ما در این کشورها برای معرفی کشور ایران به مردمان این مناطق و ارائه نامطلوب وسایل فرهنگی و آموزشی به این کشورها اغلب با مشکل بی اطلاعی از جانب مردمان این مناطق روبرو باشیم.

این امر موجبات بی توجهی مردمان این مناطق به ایران را در بر داشته است. منطقه آسیای مرکزی به خصوص کشور ایران هم به لحاظ موقعیت جغرافیایی و هم به لحاظ فرهنگی دارای اهمیت بسزایی برای قدرت های منطقه است و مزوی کردن ایران در منطقه یکی از راه های دستیابی به فرهنگ تاریخ و منابع آن محسوب می گردد. از این رو اهمیت به موضوع گردشگری در منطقه آسیای مرکزی با پیوند تاریخی و فرهنگی که با جمهوری اسلامی ایران دارند، می تواند موجب گسترش روابط و تامین امنیت منطقه شود(باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۳۹-۲۳). در منطقه، کشور ایران یک مقصدی معتبر و مطمئن برای گردشگران سلامت شناخته شده است. در سال ۲۰۱۲، ۳۰۰۰۰ نفر برای دریافت خدمات پزشکی و همینطور در سال ۲۰۱۵ تقریباً بین ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ گردشگر سلامت به ایران آمدند و انتظار می رود این رقم در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر در سال برسد. کشور ایران در مقایسه با رقبای منطقه ای خود از جمله ترکیه، امارات و عربستان سعودی هزینه کمتری در قبال ارائه خدمات درمانی با کیفیت دریافت می کند و در اولویت بالاتری برای گردشگری سلامت قرار دارد. گردشگران سلامتی که ایران را مقصد خود انتخاب میکنند بیشتر از کشورهای جمهوری آذربایجان، عراق، ترکمنستان، افغانستان، کویت، سوریه، لبنان، بحرین و ترکیه هستند. باید بدانیم که ایجاد زیرساخت های مناسب و تمرکز بر ارائه خدمات درمانی باکیفیت و مسئولیت پذیری کادر درمان در فرایند مدبکال توریسم موجب رشد و پیشرفت توریسم درمانی در ایران و توسعه صنعت گردشگری خواهد شد.

سوم؛ علل ضعف تبادلات حجم گردشگری ایران و آسیای مرکزی و قفقاز:

الف) ضعف در دیپلماسی فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز

دیپلماسی فرهنگی از مهم ترین اشتراکات میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز می باشد. چراکه بر پایه دیپلماسی فرهنگی می توان به راحتی به منطقه راه یافت و به سمت اهداف مورد نظر حرکت کرد؛ اما با کمی تامل در می یابیم هنوز برنامه ای جامع، منسجم و شفاف در زمینه حضور در منطقه در خصوص توسعه تبادلات گردشگری تدوین نگردیده است و با گذشت بیش از دو دهه از استقلال کشورهای منطقه، هنوز به صورت سلیقه ای و محدود در خصوص امر گردشگری با تکیه بر گسترش فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی و قفقاز مبادرت می گردد. این در حالی است که رقبای جمهوری اسلامی ایران با اختصاص بودجه های قابل توجه و اقدامات برنامه ریزی شده و دقیق مانند تأسیس دانشگاه، اعطای بورس تحصیلی، تأسیس شبکه های ماهواره ای مختص منطقه و آموزش گسترده زبان خود به صورت مقتدرانه فرهنگ منطقه را به سود خود تغییر می دهند. در این میان بیشترین توجهات به توسعه بخش های آموزشی رسانه ای و امور دینی معطوف می گردد. زیرا این بخش ها تمامی اقشار جامعه را پوشش می دهند

(یونسی، ۱۳۸۶: ۵۳) نگاهی اجمالی به اقدامات کشورهای رقیب جمهوری اسلامی ایران در منطقه نشان می‌دهد عمده فعالیت‌های این کشورها در حوزه دیپلماسی فرهنگی در بخش‌های آموزشی به ویژه دانشگاه‌ها و مدارس جهت شکل دادن به افکار دانش‌آموزان دانشجویان و همچنین اساتید و معلمان و در حوزه‌های رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه‌های صوتی و تصویری با هدف نفوذ در میان عامه مردم و نیز در زمینه‌های دینی و مذهبی تمرکز دارد. در حال حاضر سهم هنر و به ویژه هنرهای دستی ایران با وجود تنوع، کیفیت و زیبایی‌شناسی انگیز خود در بازارهای جهانی بسیار اندک است و روزبه‌روز نیز بر کمیت و کیفیت رقبای ما در این صحنه افزوده می‌شود. فرش، صنایع دستی، مفاخر ادبی، اسطوره‌های ایرانی، خط فارسی و موسیقی سنتی ایرانی گرچه هنوز از جایگاه والایی در عرصه جهانی برخوردارند اما رتبه این جایگاه همانند سابق نیست و بخشی به خاطر سیاست‌گذاری‌های غلط و بخشی به دلیل تحرک بیشتر رقبا و فهم بهتر آنان از اهمیت اثرگذاری‌های اقتدار نرم یک کشور می‌باشد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۹۵). در حقیقت نکته اصلی اینجاست که این ابزارها هرچند هنوز معتبر و کارآمدند اما دیگر همانند سابق تعیین‌کننده نیستند. شاید به دلیل همین ضعف و تا حدودی رخوت داخلی است که مصادره فرهنگی مولانا، نظامی، رودکی و ابن سینا توسط کشورهای همسایه استفاده از نقشه‌ای بدیع ایرانی در فرش‌های چینی و پاکستانی بسته‌بندی زعفران ایرانی در اسپانیا برداشت‌های ادبی از تمثیل‌ها و اسطوره‌های ایرانی به زبان و شیوه دیگران و بسیاری موارد دیگر ما را به خود نیاورده و ما را حساس نمی‌کند. ما باید درک کنیم دیگران در حال سرقت مؤلفه‌های عمیق و عظیم اقتدار نرم ما هستند و ما ساکت بر جای نشسته ایم و تصور می‌کنیم هرگاه اراده کنیم خواهیم توانست با همان اقتدار دیگران را جذب خود و خواسته‌های خویش نماییم. این کم‌کاری در حوزه تبلیغ و فعالیت‌های مذهبی نیز محسوس است. در حال حاضر باوجود مخارج عظیم تربیت و اعزام مبلغ هم‌چنین چاپ و انتشار کتب اسلامی، معدود سازمان یا نهاد ایرانی و اسلامی در سطح جهان وجود دارد که متناسب با ظرفیت‌های نشأت‌گرفته از تلفیق ایرانیت و اسلامیت توانسته باشد نقش بسزایی را در جذب قلوب و همراهی افکار عمومی جهانیان با نظام جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید، حتی این امر در حوزه صرفاً مذهبی، باوجود درخشش حوزه علمیه قم در راهبری تفکرات شیعی به اندازه برخی از مراکز رقیب نیست؛ نتیجه این امر آن است که غیر از استثناهایی ناکافی اغلب همراهی‌ها و جذب‌ها به فرهنگ ایرانی و اسلامی نظام متناسب با ظرفیت عظیم موجود فرهنگ ما نبوده در زمان‌های مقتضی که نیاز به همراهی همفکران و همراهان مذکور در عرصه بین‌المللی در جهت حمایت از منافع نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد در حدی مطلوب که بتواند به عنوان ابزاری از اقتدار نرم ایران در صحنه جهانی ایفای نقش کند نمی‌باشد (گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

ب) ضعف در جایگاه راهبردی ایران در سیاست گردشگری منطقه آسیای مرکزی و قفقاز

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امکان در انزوای فرهنگی و تاریخی کشورهای آسیای مرکزی فراهم گردید. بدین ترتیب ایران فرصتی برای احیای روابط تاریخی و فرهنگی با این کشورها را یافت؛ در این راستا، تهران فرصتی یافت تا فعالیت‌های فرهنگی را با علاقه بیشتری دنبال نموده و برای توسعه روابط و مناسبات با این جمهوری‌ها متحد گردد (واعظی ۱۳۸۷: ۲۹۵-۲۹۴). بر این اساس توسعه صنعت گردشگری در همگرایی بیشتر فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی تأثیر به‌سزایی داشته باشد. همگرایی فرهنگی با آسیای مرکزی می‌تواند موازنه‌های مثبتی را به سود ایران در مجامع بین‌المللی رقم زده و این جمهوری‌ها را بیش از پیش در مدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. به این ترتیب و از آنجا که دولت‌های آسیای مرکزی نسبت به گسترش روابط فرهنگی با ایران حساسیت خاصی از خود نشان نمی‌دهند، باید ضمن اجتناب از ملی‌گرایی فارسی به منظور جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات ملی‌گرایانه ضدایرانی در آسیای مرکزی و تحریک رقبا، به گونه‌ای ظریف و هوشمندانه اقدام به تقویت قدرت ایران از طریق اقدامات نرم‌افزاری در جمهوری‌های منطقه نمود (عزیزی، ۱۳۹۳). در این میان دیپلماسی عمومی مهم‌ترین ابزاری است که می‌تواند در زمینه توسعه قدرت نرم و به تبع آن گسترش نفوذ ایران در آسیای مرکزی به کار آید. در این چارچوب می‌توان به طور خاص مواردی همچون تقویت نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی، تشکیل و تقویت انجمن‌های دوستی و برگزاری هفته‌های فرهنگی در این کشورها جهت شناساندن ظرفیتهای فرهنگی کشور و ایجاد تعامل با افکار عمومی این کشورها انتشار و توزیع روزنامه و ایجاد کانال‌های خبری رسانه‌ای به زبان‌های منطقه، برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو و همکاریهای علمی پذیرش گردشگران خارجی و تشویق به مسافرت به منطقه جهت انتقال فرهنگی ایجاد و تقویت مؤسسات ایران‌شناسی و زبان‌شناسی را از جمله سیاست‌های دانست که پیگیری آنها می‌تواند به توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه منجر شود (عزیزی، ۱۳۹۳).

با این وجود باید گفت که به رغم وجود پیوندهای مشترک و عمیقی که بین ایرانیان و مردم این منطقه و نیز با وجود امضای توافق‌نامه‌های متعدد فرهنگی بین طرفین سطح تعامل فرهنگی در حوزه گردشگری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای این منطقه چندان قابل ملاحظه نبوده است. این عدم توجه فرهنگی موجب می‌گردد که ایران فرصت‌های طلایی را در منطقه از دست بدهد و از میزان موفقیت ایران با حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در منطقه کاسته شود. اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی از طریق ایجاد و توسعه ساختارها و سازمان

های چند جانبه به منظور تشویق و تقویت منطقه گرایی و همگرایی منطقه ای از جمله رویکردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، وسعت اهمیت اقتصادی و توان نظامی ایران امکان ایفای نقش محوری در تشکل های منطقه ای در آسیای مرکزی و دریای خزر را دارا است (عزیزی، ۱۳۹۳).

ج) تاثیرات نفوذ و حضور قدرت های دیگر در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز

ایران نیز کشوری است که به واسطه اشتراکات تاریخی، قومی، زبانی و دینی از یک سو و همسایگی با آسیای مرکزی از دیگر سو منافع بیشماری را برای خود در این منطقه متصور کرده است. تهران نیز به مانند پکن و مسکو حضور، ایالات متحده آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی را تهدیدی علیه امنیت ملی خود دانسته و همواره مخالفت خود را با این مسئله عنوان کرده است. تلاش برای عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای به باور برخی اقدامی برای تشکیل جبهه ضد غربی برای مقابله با حضور و نفوذ ایالات متحده و ناتو به شمار می رود که نوید بخش تشکیل بلوکی شرقی با محوریت -پکن- مسکو تهران در جهت مقابله با روند یک جانبه گرایی ایالات متحده در سطح نظام بین الملل می باشد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۷). تهران همچنین نگران است که با حضور ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی، امنیت و منافع آن از سوی نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در کشورهای همسایه افغانستان و عراق و مرزهای شمالی و جنوبی منافع و امنیت ملی خود مورد تهدید قرار گیرد (Cornell, 2003: 3).

سازمان پیمان اتلانتیک شمالی مهمترین سازمان فرامنطقه ای است که به دنبال استراتژی حرکت به سوی شرق در پی گسترش نفوذ خود در منطقه آسیای مرکزی می باشد. اهمیت این موضوع به حدی است که این اقدام همچنین از جمله مهم ترین نگرانی امنیتی دو قدرت عمده منطقه یعنی چین و روسیه به همراه جمهوری اسلامی ایران می باشد. مسئله ای که از نقطه نظر استراتژیک عامل تشدید رقابت در قالب بازی بزرگ جدید نیز به شمار می رود. همین موضوع و عوامل سبب شده است تا نگاهی متفاوت در خصوص حضور و نفوذ ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بالاخص در گسترش صنعت گردشگری میان آنها ایجاد شود. البته شایان ذکر است حضور و نفوذ قدرت های دیگر در این منطقه تاثیراتی را در کمرنگ شدن روابط ایجاد کرده است که به برخی از این عوامل اشاره می نمایم.

الف) نگاه ایدئولوژیک به فرهنگ ایرانی از نگاه کشورهای منطقه: متأسفانه در سالهای اخیر به دلیل تبلیغات منفی گستردهای که غربی ها علیه ایران داشته اند تأثیر منفی بر روابط ایران با جهان خارج به ویژه همسایگان شمالی گذاشته است. در واقع در پی اسلام هراسی که به صورت عام تبلیغات منفی می شود به طور خاص تر ایران هراسی و شیعه هراسی

نیز وجود دارد. این بدان معناست که ایران هرچایی پا می‌گذارد حتی به نیت اقدامات فرهنگی، به بنیادگرایی اسلامی متهم می‌شود. به طوری که در کشوری مثل تاجیکستان که فارسی زبان است و نزدیک ترین کشور به ایران در این زمینه محسوب میشود حتی به ایران اجازه احداث مسجد و مدرسه داده نمی‌شود در حالی که ترکیه اقدامات گسترده‌ای را در این کشور انجام داده است. ایدئولوژیک شدن فرهنگ ایرانی چالش مهمی را برای ایران دارد که اگر به آن توجه نشده و در پی رفع آن برناییم به منزوی تر شدن ایران در منطقه می‌انجامد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۲۹-۳۷).

ب) اسلام شیعی به عنوان چالشی در برقراری روابط: بی تردید اسلام‌گرایی را باید به عنوان مؤلفه مهم هویت مشترک جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز قلمداد کرد. ولی به توجه به رشد رادیکالیسم و همچنین اسلام دولتی در این منطقه و پاره‌ای عوامل دیگر (از جمله اعمال فشار واشنگتن و تلاویو بر کشورهای منطقه برای تأثیر بر روابط و مناسبات آنها با ایران، نگاه این کشورها در سطح داخلی به اسلام و اسلام‌گرایی به عنوان یک تهدید جدی، ستیز مستمرشان با اسلام و پافشاری بر حذف اسلام و اسلام‌گرایی از عرصه مناسبات خود با ایران نشان می‌دهد که تمسک به اسلام به عنوان یک فرصت در گسترش روابط مناسبات با آنها دشوار و نیازمند تدبیر و زیرکی است. جمهوری اسلام ایران تاکنون، کمک‌های زیادی در جهت اسلام‌گرایی در این منطقه کرده است، در عمل با وجود دولت‌های سکولار از رقبای خود در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی عقب مانده است. به سبب حساسیت‌های نظام‌های سیاسی منطقه به دین‌گرایی به عنوان یک چالش امنیتی باید در بهترین حالت، به مؤلفه‌های عام حوزه دین پرداخت (کبریایی، ۱۳۹۰: ۶۸).

ج) نفوذ وهابیت و عربستان سعودی: عربستان سعودی از نظر جغرافیایی با آسیای مرکزی هیچ ارتباط سرزمینی ندارد؛ اما گسترش نفوذ ایران در این منطقه سبب تحریک این کشور به حضور در آسیای مرکزی شد. ایران تمایل چندانی به حضور فعال در عرصه‌های ایدئولوژیک آسیای مرکزی نداشته است. عربستان سعودی با حضور پررنگ ایدئولوژیک در این کشورها، در پی مهار نفوذ ایران بوده است. دولت عربستان از آغازین استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، به هزینه کردن مبالغ هنگفتی در ترویج سنت‌های مورد نظر خود پرداخته است. توزیع قرآن، احیای مساجد و ساخت مدارس اسلامی، نهادهای رسمی روحانیون و مفتیها، انتخاب و اعزام جوانان مستعد به عربستان سعودی برای آموزش و القای عقاید وهابی پیشنهاد بورس‌های تحصیلی به جوانان، سرمایه‌گذاری در امور مذهبی و ایجاد سازمان‌هایی نظیر «اتحادیه مسلمانان جهان» سازمان امداد بین‌المللی، اجلاس جهانی جوانان مسلمان و کمک به شکل‌گیری جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی اسلامی در تمام کشورهای آسیای مرکزی به ویژه

جنبش اسلامی و «حزب التحریر» در ازبکستان تنها گوشه ای از اقدامات عربستان برای تأثیرگذاری در منطقه است. با توجه به دشواری های اقتصادی کمک های مالی عربستان برای کشورهای منطقه می توانست جاذبه بسیار داشته باشد. به هر ترتیب برخلاف ترکیه که کوشید از اهرم های قومی و زبانی در منطقه استفاده کند، عربستان سعودی از دلارهای نفتی برای تقویت اندیشه وهابیت در منطقه بهره می گیرد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۶). البته شایان ذکر است با به وجود آمدن روابط مجدد میان ایران و عربستان و شکل گیری همکاری های دوطرف در منطقه امید است شاهد توسعه دیپلماسی فرهنگی و سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و رونق یافتن صنعت گردشگری در مناطق مزبور و کاسته شدن اختلافات و تنش ها باشیم.

نتیجه گیری

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از مناطق مهم و استراتژیک برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود که پس از فروپاشی شوروی جایگاه محوری در عرصه سیاست خارجی ایران به دست آورده است. وجود پشتوانه های تاریخی و اشتراکات فرهنگی و تمدنی از جمله عوامل پیوند میان آنها و فرصتی در جهت توسعه روابط سیاسی-فرهنگی است. اما در کنار فرصت های مطروحه عوامل و موانع داخلی و خارجی در این روند وقفه ایجاد کرده است. از مهم ترین موانع فرهنگی در توسعه صنعت گردشگری در اختیار نداشتن آمارهای دقیق توریست از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به ایران و ضعف در فقدان مراکز آماری متحد و مشترک میان طرفین است که متأسفانه محدودیت هایی را در برخی از این کشورها از جمله تاجیکستان و آذربایجان در خصوص ورود گردشگر ایرانی به کشورهایشان و بلعکس ایجاد کرده است. همچنین کاهش دیپلماسی عمومی و ارتباطات فرهنگی در این امر بی تاثیر نبوده است. مسائل مذهبی و ایران هراسی هم بخشی از این عوامل و دلیلی بر دامن زدن بر موانع توسعه صنعت گردشگری در منطقه شده است. تا زمانی که فقدان زیرساخت های لازم و نبود تبلیغات رسانه ای قوی در سطح منطقه ای در جهت آشنایی ملت ها از فرهنگ و آداب و رسوم همدیگر و عدم شناخت نسبت به مکان های گردشگری، مذهبی و درمانی تسری نیابد، نمی توان چشم انداز روشنی را در جهت توسعه گردشگری انتظار داشت. با در نظر گرفتن بحث توریسم درمانی که خود یکی از نکات مثبت در جذب گردشگران منطقه ای برای ایران می باشد و با توجه به درآمد پایین شهروندان در آسیای مرکزی که بحث هزینه های سفر به ایران برای آنها مرقوم به صرفه تر است، اما به دلیل ضعف در دیپلماسی فرهنگی و عدم امکان مسافرت آنها به ایران به وجود آمده است. تا زمانیکه موانع مذکور توسط سیاست گذاران و رایزنان فرهنگی طرفین مرتفع نگردد

تغییر چشمگیری در توسع روابط فرهنگی سیاسی و توسعه صنعت گردشگری به وجود نخواهد آمد.

با توجه به مطالب بیان شده توصیه‌هایی در جهت تسری یافتن موانع توسعه صنعت گردشگری ایران در آسیای مرکزی و قفقاز ارائه می‌گردد:

- توسعه زیرساخت‌ها: ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل، ارتباطات، امکانات رفاهی و مراکز خدماتی در مناطق گردشگری می‌تواند توسعه را تسریع کند. سرمایه‌گذاری در بهبود جاده‌ها، راه‌آهن‌ها، فرودگاه‌ها و ارتباطات مدرن می‌تواند به گردشگران اطمینان بیشتری درباره دسترسی آسان به مقاصد مختلف بدهد.

- ارتقاء کیفیت خدمات: برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت امکانات و خدمات گردشگری از جمله هتل‌ها، رستوران‌ها، مکان‌های تفریحی و راهنمایی توریستی ضروری است. آموزش مهارت‌های سرویس‌دهی به کارکنان صنعت گردشگری، ایجاد استانداردهای بین‌المللی و تشویق به ارائه خدمات متنوع و خلاقانه می‌تواند عاملی برای جذب گردشگران باشد.

- ترویج و تبلیغات: تبلیغات فعال و هدفمند در مورد جاذبه‌های گردشگری، فرهنگ و تاریخ منطقه می‌تواند بازاریابی کشورها را بهبود بخشد. استفاده از رسانه‌های اجتماعی نقش بسزایی در معرفی و شناخت فرهنگ‌های طرفین از یکدیگر را ایفا می‌نماید.

فهرست منابع

۱. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه ای بر روش سیاست گذاری فرهنگی، تهران: جامعه شناسان.
۲. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۰)، "دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فرصت ها، چالش های پیش رو"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۴.
۳. باقری مقدم، غلامرضا (۱۳۹۴)، آسیب شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی: مطالعه موردی قرقیزستان، تهران: وزارت امور خارجه.
۴. بهشتی پور، حسن (۱۳۹۸)، ایران و تاجیکستان آغاز دور جدید تحول در مناسبات دوستانه، ایراس، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir>
۵. بوالوردی، مجید (۱۳۸۵)، "بررسی روابط دوجانبه ایران و ترکمنستان"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۵، دوره چهارم، شماره ۵۶.
۶. بهشتی پور، حسن (۱۳۸۹)، آسیای مرکزی و قفقاز: عرصه های مغفول در سیاست خارجی ایران، ایراس، ۳۳ بهمن. موجود در:
<http://www.ccsi.ir/vdcicqaz2t1av.bct.html>
۷. جمشیدی، محمد و الهه الهی دهقی (۱۳۹۳)، "ارائه الگوی تحلیلی محیط راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی منطقه آسیای مرکزی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۶.
۸. حجازی، شهاب الدین (۱۴۰۰)، "تحلیل راهبردی موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی"، مجله سیاست دفاعی، سال سی ام، شماره ۱۱۶، صص ۱۵۱-۱۸۱.
۹. حافظ نیا، محمدرضا، محمود شمس آبادی و محمد حسین افشردی (۱۳۸۶)، "علائق ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصت های پیش رو"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، صص ۷۸-۱۱۹.
۱۰. دهشیری، محمدرضا و طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، "دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴، صص ۴۴.
۱۱. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: علمی فرهنگی.
۱۲. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۴. سنایی، مهدی (۱۳۹۰)، روابط ایران و آسیای مرکزی: روندها و چشم اندازها، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۵. عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، "قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزار و اهداف"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸، صص ۵۷-۱۱۲.
۱۶. کولایی، الهه و ولی کوزه گر کالجی (۱۳۹۸)، "دلایل و زمینه های غیر امنیتی سازی در آسیای مرکزی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۶.
۱۷. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. متقی، ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶)، "سازه انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، سال ۳۷، شماره ۴، صص ۲۰۹-۲۳۷.
۱۹. میرفخرایی، سید حسن و مجید فیروزمندی (۱۳۹۶)، "چالش ها و فرصت های دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی"، اولین همایش کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهشی دینی - غدیر، رشت. اردیبهشت ۱۳۹۵.
۲۰. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، میانجی گری در آسیای مرکزی و قفقاز تجربه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر سیاستهای بین الملل.
۲۱. همتی، شیوا (۱۳۹۵)، دانشگاههای هزاره سوم و انواع عمده سازه گرایی، مجله الکترونیکی موجود در <http://vista.ir/article>
۲۲. هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، "سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۶۸.
۲۳. یزدانی، عنایت الهه و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۶)، "سازمان همکاری های شانگهای و روند چند جانبه گرایی در نظام بین الملل"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۷، بهار.

Latin resources

24. Beck, U., Giddens, A., & Lash, S. (1994). *Reflexive Modernization: Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order*. Stanford University Press.
25. Delanty, G. (2003). *The Handbook of Contemporary European Social Theory*
26. Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press .
27. Jenkins, R. (2008). *Social Identity*.